

## گزارشات برگزاری جلسات تفسیر قرآن سال ۱۳۹۴

### نهمین و دهمین جلسه تفسیر قرآن دانشکده بهداشت مورخ ۹۴/۱۲/۱۶

<p>و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکر گزار من و پدر و مادرش باش که بازگشت [همه] به سوی من است</p> <p>(۱۴)</p>	<p>وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿١٤﴾</p>
<p>و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و[لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من بازمی گردد و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است و از [حقیقت] آنچه انجام می دادید شما را با خبر خواهم کرد (۱۵)</p>	<p>وَإِن جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾</p>
<p>ای پسرک من اگر [عمل تو] هموزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد خدا آن را می آورد که خدا بس دقیق و آگاه است (۱۶)</p>	<p>يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾</p>

در آیه ۱۴ کلمه اِلَى الْمَصِيرُ: بازگشت به سوی خداست پس ما همه به سوی خدا بازمی گردیم . هنگامی که به فردی مصیبت وارد می شود یعنی کسی را ازدست داده است با عبارت انا لله وانا اليه راجعون ؛ آرامش به او دست می دهد . در قرآن آمده است ای انسان تو تلاش می کنی و تلاشت به سمت پروردگار است بدان که خدا را ملاقات خواهی کرد . در این آیه کلمه مصیر به معنی دگرگونی و تغییر و تحول است این تغییر و تحول به سمت خدا می باشد .

فرق مسیر و مصیر :

مسیر به معنی محل سیر و رفت و آمد می باشد اما مصیر به معنی دگرگونی و تغییر و تحول است.

إِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورَ : همه چیز به سمت خداست

معنی به سمت خدا رفتن همچنان که در دعای کمیل آمده است لایمکن الفرار من حکومتک می باشد ( خدایا ما نمی توانیم از حکومت تو خارج شویم ). خداوند شما را ایجاد کرد و از ید قدر الهی خارج نیستید و در آخر به سمت خدا بازگشت خواهید کرد . کسی که نگاه توحیدی دارد برای مسائل دنیوی نگرانی و غصه ای ندارد چون همه چیز به سمت خدا بر می گردد. ( انا لله و انا الیه راجعون )

یا ایها الذین آمنو علیکم انفسکم : در دنیا بیش از هر چیز مراقب نفس خود باشید چون هر گرفتاری که انسان دارد باعثش خود فرد می باشد .

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا: در این آیه به این نکته اشاره دارد که پدر و مادر خیلی مهم هستند اما اگر پدر و مادر تو را به شرک و اداری کنند اطاعت از آنها جایز نیست حتی اگر تلاش کردند تا تو را به گناه و شرک وادار تو باید از آن اطاعت نکنی .

جاهداک : تاکید بر این دارد که تلاش پدر و مادر برای شرک نیز بر تو اثر نگذارد  
شرک : به معنی مطلق گناه است و شرک جلی نمی باشد .

صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا: یعنی به صورت عرف پسند با آنها زندگی کن و به آنها کمک کن ولی به حرفهای گناه آلوده گوش نده .

وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ: تبعیت کن از کسانی که توبه کننده هستند .

در آیه فوق ؛ سبیل : به معنی راه اناب الی : به سمت خدا

فرق "وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ" با " و اتبع می اناب الی " در چیست ؟

در عبارت اولی : راه را به مانسان می دهد در عبارت دوم یک انسان را معرفی می کند تا از او اطاعت کنیم .

حال اطاعت از راه بهتر است یا اطاعت از شخص ؟ اطاعت از راه بهتر است چون شخص می تواند دچار لغزش شود .

فرد ممکن است تعصب داشته باشد یعنی به چیزی اعتقاد دارد پایبند است بدون اینکه به عواقب آن توجه داشته باشد . اما در اسلام راه یعنی به سمت حق حرکت کردن است .

ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ : یعنی بازگشت همه به سمت خداست و خدا تمام کارهایی که انجام داده ایم را به ما بازگو خواهد کرد و عواقب تمام کارها را به ما نشان می دهد .

﴿۱۶﴾  
﴿بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْتَابُورَ وَكَانُوا صَاغِرِينَ خَلْفَهُ يَوْمَ يَنْفُخُ فِيهِ الْمَسْكُورُ﴾

مِثْقَالٍ: به معنی سنگینی عبارت يَاتِ بِهَا اللَّهُ : حرف اصلی یات ؛ اتی است به معنای آمدن یعنی خداوند آن عمل را می آورد هر عملی که در هر کجا باشد در آخرت آن عمل را می آورد پس هیچ کجا از ملک او خارج نیست

﴿لَطِيفٌ﴾: دقیق عبارت یا بنی : تاکید بر عبارت قبل دارد

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ: یعنی خداوند دقیق و آگاه است و هر عملی را به حساب خواهد آورد .



<p>و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است (۱۴)</p>	<p>وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ ﴿١٤﴾</p>
<p>و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و [لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من بازمی گردد و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است و از [حقیقت] آنچه انجام می دادید شما را با خبر خواهم کرد (۱۵)</p>	<p>وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾</p>

بر اساس آیه ۱۴ وصیت لقمان به فرزندش می توان نتیجه گرفت اگر کاری برای رضا و خشنودی خداوند انجام دهیم توحید می شود ولی اگر رضا و خشنودی خداوند را مورد توجه قرار ندهیم مرتکب شرک شده ایم .

پس هر کاری را از روی فطرت و دستور عقل انجام دهیم چون عقل و فطرت از سوی خداوند است لذا این کار نوعی کار الهی است ( جوادی آملی ) در زندگی هر لحظه باید بدانیم که اگر کاری انجام می دهیم همه از آن خداوند است .

یکی از مصادیق شرک خفی این است اگر کاری را شروع کنیم که از نظر خودمان خوب است ولی رضا و خشنودی خدا را در نظر نمی گیریم . کاری که برای غیر خدا باشد تا زمانیکه غیر خدا باشد تداوم دارد و زمانیکه غیر خدا نباشد ، کار هم ادامه پیدا نمی کند . مثلاً " تا زمانیکه همسایه با شما خوب باشد با او خوب هستی و زمانیکه خوبی نکند دیگر این خوبی پایدار نمی ماند . پس خوبی که غیر خدا پشت آن باشد ناپایدار و غیر قابل اعتماد است .

موارد دیگری که خداوند به آن اشاره کرده است ظلم به خودتان نکنید . یعنی قبل از اینکه بخواهید به دیگران ظلم بکنید اول به خودتان ظلم کرده اید . و بدینگونه است که می گویند شرک ظلم عظیمی است .

در مقابل ظلم ؛ خوبی است . یعنی اگر خوبی کنید ، قبل از اینکه به دست فرد برسد به خداوند می رسد و خداوند به بهترین وجه پاداش می دهد . همچنین سفارش برای احسان و نیکی به پدر و مادر شده است در آیه ۱۴ : کمک به پدر و مادر را به صورت کلی و عام آورده است ، چون خداوند خواسته مسئولیت را سنگین تر کند .

توضیحی در مورد احسان :

سوال می شود عدل بهتر است یا احسان ؟

عدل : یعنی افرادی را که کار خوبی انجام می دهند پاداش دهد و افرادی که گناه مرتکب می شوند مجازات نماید . و عدل امری است دو طرفه ، در عدل به اندازه کاری که انجام داده ای برایت کاری انجام دهند .

احسان : امری است یک طرفه یعنی اگر کار خوبی انجام می دهیم منظور پاداش نیست . در خصوص پدر و مادر هم باید با احسان عمل کنیم و در مقابل نباید از آنها توقع داشته باشیم .

انسان حق ندارد با پدر و مادرش عادلانه رفتار کند باید رفتارش محسنانه باشد. شخصی مادر خود را به دوش گرفته بود و خانه خدا را طواف می کرد. امام صادق (ع) را دید و از ایشان سوال کرد آیا با این کار؛ می توانم زحمات مادرم را جبران کنم. حضرت فرمود: با این کارت ذره ای از درد دوران زایمان او را هم نمی توانی جبران کنی.

"وهن" در این آیه معنی سستی است

حَمَلْتُهُ أُمَّهُ وَهْنًا : یعنی مادر در دوران بارداری خودش ضعیف می شود و به وزن او اضافه می شود.

فَصَالُ : یعنی از شیر گرفتن، مادر باید بچه را تا دو سالگی شیر دهد اگر بین این دو سال جدایی صورت گیرد. مادر و پدر هر دو باید راضی باشند. دوران بارداری و شیر دهی ۳۰ ماه طول می کشد به این معنی که حداقل دوران بارداری ۶ ماه است.

پس در آیه ۱۴: سفارش به پدر و مادر می کند و می گوید که خدا را شاکر باشید.



### ششمین جلسه تفسیر قرآن دانشکده بهداشت مورخ ۹۴/۱۱/۰۸

<p>و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش در حالی که وی او را اندرز می داد گفت ای پسرک من به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است (۱۳)</p>	<p>وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿۱۳﴾</p>
<p>و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکر گزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است (۱۴)</p>	<p>وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿۱۴﴾</p>
<p>و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و [لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من باز می گردد و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است و از [حقیقت] آنچه انجام می دادید شما را با خبر خواهم کرد (۱۵)</p>	<p>وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾</p>

در آیه ۱۳: وصایای لقمان به پسرش می باشد که ای پسرم به خدا شرک نوز که شرک ظلم بزرگی است.

در آیه ۱۴: "وصینا" از جانب خداوند است که ما انسان ها را نسبت به پدر و مادر سفارش کردیم که خداوند وصیت به پدر و مادر را در کنار دعوت به خدا و شرک قرار داده است. لقمان به نیکی به پدر و مادر را اشاره نکرده و این نشان دهنده این است که لقمان حکمتی از خود نداشت و خداوند این حکمت را به او عطا فرموده است.

نکته ای که باید بدان توجه کرد این است که پدر و مادر باید فرزندان خود را نصیحت کنند و با آنان به صورت عاطفی رفتار کنند یکی از دلایلی که فرزندان نسبت به پدر و مادر بی تفاوت هستند به خاطر این است که از لحاظ عاطفی تقویت نشده اند و بار عاطفی وجود ندارد .

پس در آیه ۱۳ این سوره اولین وصیت لقمان به فرزندش این است که از شرک دوری کند .  
شرک در لغت : به معنی شریک قائل شدن است . از گناهان کبیره است در قرآن کریم بعنوان " ظلم عظیم " بیان شده است  
اقسام شرک :

۱- شرک خفی : یعنی شرک پنهان یعنی فرد در عمل برای خدا شریک قائل شده است . برای مثال فرد عملی را انجام می دهد که در ظاهر برای خداست ولی در باطن برای اینکه محبوب یا دل دیگران را بدست آورد مثل سخنرانی کردن در ظاهر برای خدا ولی در باطن برای اینکه دل مردم را بدست آورد که در اینجا مرم را برای خدا شریک قرار داده است .

۲- شرک جلی : شریک قائل شدن برای خداوند در خالقیت و فاعلیت می باشد همان شرک آشکار است که انسان در کنار خدای واحد ؛ اعتقاد به خدای دیگر داشته باشد . یعنی در کنار خداوند ؛ خدایانی دیگر را در نظر بگیریم که این شرک خیلی مهم است و خداوند هر عقوبت و گناهی را می بخشد به جز شرک ، ولی اگر فرد توبه کند در صورت توبه خداوند او را می بخشد .

آیت اله جوادی آملی می فرماید : هر گناهی را می بخشم به جز شرک ( در صورت عدم توبه )  
اگر فردی مشرک باشد و در صورت عدم توبه از دنیا برود خداوند او را نمی آمرزد ولی در صورتی که گناه دیگری غیر از شرک مرتکب شده باشد و کار خیری که می کرده و بعد از مرگش پابرجا باشد خداوند گناهایش را می آمرزد .  
در شرک ؛ مهم این است که ظلم به خود مشرک است یعنی خیانت به خود فرد حساب می شود که خداوند به آن حساس است و این ظلم به خداوند نیست زیرا خداوند ظلم پذیر نیست .

یکی از مصادیق ظلم این است که در کنار خداوند به کسی یا چیزی فکر می کند که فایده ای ندارد و سراب است .

در آیه ۱۴ : خداوند نیکی به پدر و مادر را سفارش کرده است .

در شرک خفی فرد کارهایی را انجام می دهد که برای غیر خدا اثر قائل شده است .



<p>و به راستی لقمان را حکمت دادیم که خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگزارد تنها برای خود سپاس می گزارد و هر کس کفران کند در حقیقت خدا بی نیاز ستوده است (۱۲)</p>	<p>وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾</p>
<p>و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش در حالی که وی او را اندرز می داد گفت ای پسرک من به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است (۱۳)</p>	<p>وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِبْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾</p>
<p>و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکر گزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است (۱۴)</p>	<p>وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿١٤﴾</p>

آیه ۱۲: خداوند به لقمان حکمت داد تا شکر اور را بجا آورد. هر کس شکر خدا را بجا آورد به نفع خودش می باشد و هر کس کفر بورزد به خود خیانت کرده است. زیرا شکر کزاری و عدم شکر برای خداوند سود و ضرری ندارد. یادگیری از دو طریق می باشد:

- ۱- یادگیری اکتسابی: فرد از طریق آموزش و حضور در کلاس بدست می آورد
- ۲- یادگیری لدنی: علمی است که از طریق الهی به فرد آموخته می شود که علم پیامبر اکرم "ص" اینگونه است. یادگیری لقمان هم بخشی از آن از طریق موهبت الهی است یعنی از سوی خداوند به او اعطا شده است. که در قرآن در سوره بقره به این موضوع اشاره شده است که خداوند به هر کس بخواهد حکمت می دهد که این خیر کثیر است. در آیه دوازده هم به این موضوع اشاره کرده است که ما به لقمان حکمت دادیم تا شکر خدا را بجا آورد. پس هر فرد با توجه به نعمتی که خدا به او داده است باید شکر کند و اگر در برابر نعمت او شکر نگذاریم کفران نعمت کرده ایم. حال حکمتی که خداوند می دهد با علمی که خود می آموزیم چه تفاوتی با هم دارند؟ علم: مطلق دانایی و دانستن چیزی است در حالی که ممکن است علم ما خلاف واقع باشد. حال سوال پیش می آید که فهمیدن با دانستن چه تفاوتی دارد؟ دانستن یعنی آنچه بدان اطلاع داری و فهمیدن رابطه بین دانسته ها می باشد. که هر گاه به رابطه آنها پی ببری یعنی آن مطالب را فهمیده ای. حکمت: پی بردن به حقایق عالم هستی است که همان رابطه بین دانسته ها ی خود و اشیائی می باشد که از دو طریق حاصل می شود:

۲- آموزشی

۱- الهی

احادیثی که برای لقمان آمده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لقمان، پیامبر نبود، ولی بنده‌ای بود که بسیار فکر می‌کرد و به خداوند ایمان واقعی داشت. خدا را دوست داشت و خداوند نیز او را دوست می‌داشت و به او حکمت عطا کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: لقمان، حکمت را به خاطر مال و جمال و فامیل دریافت نکرده بود، بلکه او مردی پرهیزکار، تیزبین، با حیا و دلسوز بود. اگر دو نفر با هم درگیر می‌شدند و خصومتی پیدا می‌کردند، میان آنها آشتی برقرار می‌کرد.

لقمان با دانشمندان زیاد می‌نشست. او با هوای نفس خود مبارزه می‌کرد و ... «۱»  
او دارای عمری طولانی، معاصر حضرت داود و از بستگان حضرت ایوب بود. او میان حکیم شدن یا حاکم شدن مخیر شد و حکمت رای انتخاب کرد.

از لقمان پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ گفت: به خاطر امانت داری، صداقت و سکوت درباره آنچه به من مربوط نبود. «۲»

امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان نسبت به رهبر آسمانی زمان خود معرفت داشت. «۳»  
گرچه خداوند به او کتاب آسمانی نداد، ولی همتای آن یعنی حکمت رای به او آموخت.  
روزی مولای لقمان از او خواست تا بهترین عضو گوسفند رای برایش بیاورد. لقمان زبان گوسفند رای آورد. روز دیگر گفت: بدترین عضو آن رای بیاور. لقمان باز هم زبان گوسفند رای آورد.

چون مولایش دلیل این کار رای پرسید، لقمان گفت: اگر زبان در راه حق حرکت کند و سخن بگوید، بهترین عضو بدن است و گر نه بدترین عضو خواهد بود. «۴»

در عظمت لقمان همین بس که خدا و رسول او و امامان معصوم علیهم السلام پندهای او رای برای دیگران نقل کرده‌اند. گوشه ای از فصایح لقمان:

اگر در کودکی خود را ادب کنی، در بزرگی از آن بهره‌مند می‌شوی.

از کسالت و تبلی پرهیز، بخشی از عمرت را برای آموزش قرار بده و با افراد لجوج، گفتگو و جدل نکن.

با فقها مجادله مکن، با فاسق رفیق مشو، فاسق را به برادری مگیر و با افراد متهم، همنشین مشو.

تنها از خدا بترس و به او امیدوار باش. بیم و امید نسبت به خدا در قلب تو یکسان باشد.

بر دنیا تکیه نکن و دل مبند و دنیا را به منزله پلی در نظر بگیر.

بدان که در قیامت از تو درباره چهار چیز می‌پرسند: از جوانی که در چه راهی صرف کردی، از عمرت که در چه فنا کردی، از مال و داراییات که از چه راهی بدست آوردی و آن را در چه راهی مصرف کردی.

به آنچه در دست مردم است چشم مدوز و با همه مردم با حسن خلق برخورد کن.

با همسفران زیاد مشورت کن و توشه سفر خود را بین آنها تقسیم کن.

اگر با تو مشورت کردند، دلسوزی خود را خالصانه به آنها اعلام کن. اگر از تو کمک و قرضی درخواست کردند،

مساعدت کن و به سخن کسی که سن او بیشتر از توست، گوش فراده.

نماز را در اول وقت بخوان، نماز را حتی در سخت‌ترین شرایط به جماعت بخوان. «۱»

اگر در نماز بودی، قلب خود را حفظ کن.

اگر در حال غذا خوردن بودی، حلق خود را حفظ کن.

اگر در میان مردم هستی، زبان خود را حفظ کن.

هرگز خدا و مرگ را فراموش مکن، اما احسانی که به مردم می کنی یا بدی که دیگران در حق تو می کنند فراموش کن.

«۲»

رابطه قرآن و علم:

در خصوص رابطه علم با قرآن؛ دانشمندانی که در این خصوص اظهار نظر کرده اند می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- گروه اول: معتقدند که هیچ مطلب علمی وجود ندارد جز آنکه در قرآن، آمده است.

۲- گروه دوم: قرآن مشتمل بر یک سری مطالب علمی است و مفسران اجازه دارند که مطالب خود را در قرآن بررسی

کنند و نظرات قرآنی را هم بیان کنند ولی همه چیز در قرآن نیامده است.

۳- گروه سوم: مطالب علمی در قرآن را قبول دارند ولی معتقدند که مفسران حق ندارند که برای مطالب علمی خود از

قرآن دلیل بیاورند چون علم در حال تحول و دگرگونی است نظرات علمی که صادر می شود برای زمان حال خود

کاربرد دارد و نظرات باقتضای زمان حال خود تغییر می کند. ولی قرآن ثابت است و نیازی به این ندارد تا آبروی آن را

با علم ثابت کنی. زمانی می توان به قرآن استناد کرد که علم بدست آمده صددرصد قبول و به یقین رسیده باشد و اگر

به یقین نرسیده است می تواند احتمال بدهد.



### چهارمین جلسه تفسیر قرآن دانشکده بهداشت مورخ ۹۴/۹/۲۶

تفسیر سوره لقمان:

در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند باغهای پر نعمت خواهند داشت (۸)	﴿۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ
که در آن جاودان می مانند وعده خداست که حق است و هموست شکست ناپذیر سنجیده کار (۹)	﴿۹﴾ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوههای استوار بیفکند تا [مبادا زمین] شما را بجناند و در آن از هر گونه جنبنده ای پراکنده گردانید و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم (۱۰)	﴿۱۰﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ
این خلق خداست [اینک] به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده اند [هیچ] بلکه ستمگران در گمراهی آشکارند (۱۱)	﴿۱۱﴾ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ



آیه ۸ می فرماید: کسانیکه ایمان آورده اند برای آنان بهشت هست "لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ" در این آیه ترکیب جنات النعیم ، مضاف و مضاف الیه است "نعیم" همان نعمت است یعنی در بهشت اصل بر نعمت است و نعمت در قالب بهشت آمده است . پس اصل بهشت ، نعمت دادن خداوند است . و در این آیه "ل" در کلمه "لهم" به معنی مالکیت و در اختیار قرار گرفتن چیزی است . یعنی تمام نعمت ها مال این افراد است ؛ که همان نیکوکاران می باشند

آیه ۹: "خَالِدِينَ فِيهَا" یعنی در آن بهشت می مانند و خارج نمی شوند و بهشت برای آنان است و از آنها نمی گیرند . "وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا" این تفسیر که این وعده الهی حق است اشتباه است . بلکه معنی صحیح این است که وعده ای که خداوند می دهد حقیقی است چون وعده خدا می باشد. "وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ" او مقتدر و عزیز است پس وعده ای است از طرف خدا که مقتدر و عزیز است و آنچه گفته انجام می دهد .

پس چهار تاکید برای بهشت شده است :

۱- بهشت ۲- خلود ۳- حق بودن وعده الهی ۴- عزیز و حکیم بودن خدا

آیه ۱۰: "خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا" اگر ترجمه شود آسمانها را خلق کرد بدون ستون ، این ترجمه غلط می باشد . ترجمه صحیح این است که خلق کرد آسمانها را بدون ستونی که تو آن را بینی .

"رَوَّاسِي" به معنی کوه ها می باشد معنی این است که و انداخت در زمین کوه ها تا زمین ثابت باشد و شما راحت تر زندگی کنید . در اینجا خداوند از صنعت تشبیه استفاده کرده است . یعنی نحوه تشکیل شدن کوه ها از بالا به پایین است . "الْقَلَى" به معنی انداختن است . یعنی کوه ها را در زمین قرار داد تا زمین ثابت بماند و شما راحت زندگی کنید و تمام جنبنده ها و حیوانات را گسترش داد و از آسمان آبی نازل کردیم و در روی زمین گیاهان را برای شما رویانیدیم .

آیه ۱۱: "هَذَا خَلْقُ اللَّهِ" این کارهایی است که خدا خلق کرده است حالا بگویید خدای شما چه خلق کرده است . پس انسانهای ظالم در گمراهی هستند .

در این آیه خداوند خدایانی غیر از خود را نفی می کند با این استدلال که غیر او کسی چیزی خلق نکرده پس غیر از او خدایی نیست زیرا اگر بود باید خلقی می داشت.

### سومین جلسه تفسیر قرآن دانشکده بهداشت با موضوع تفسیر سوره لقمان

سومین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۵ آذر ۹۴ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با موضوع تفسیر سوره لقمان ، با حضور استاد حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .  
تفسیر سوره لقمان :

آنانند که از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند و  
ایشانند که رستگارانند (۵)

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا  
[مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند و [راه

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ  
بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾

خدا] را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود (۶)

و چون آیات ما بر او خوانده شود با نخوت روی  
برمی گرداند چنانکه گویی آن را نشنیده [یا] گویی در گوشهایش سنگینی است پس او را از عذابی پر درد خبر ده (۷)

در آیه پنج می فرماید آنها روی هدایتی از ناحیه خداوندشان هستند یعنی بر مرکب هدایت قرار گرفته اند که این بهترین نوع هدایت است؛ هدایتی است که از جانب خدا می باشد .

در کشورهای غربی و مکتب اومانیسم ، انسان را محور همه چیز می دانند .مثلاً "سعادت را آن گونه که هر فرد بخواهد برای خود تعریف می کند .پس ؛ انسان با سلیقه ، دید و تفکر خود ؛ سعادت را تعریف می کند لذا راههای سعادت در هر فردی فرق می کند . حال در غرب ، که محور همه چیز انسان قرار دارد یعنی آزاد است هر کاری به سلیقه خود انجام دهد . پس امر به معروف ونهی از منکر چیست که در اسلام و قرآن به آن اشاره شده است . و دیگر امر به معروف ونهی از منکر معنایی ندارد .

سوال در این صورت این قوانین و مقررات برای چیست ؟ می گویند این قوانین و مقررات برای نظم اجتماعی است و به سعادت انسان ها کاری ندارد .و سعادت امری فردی است . از نظر قرآن این هدایت ارزشی ندارد و هدایتی ارزش دارد که : "من ربهم" باشد یعنی از سوی خدا باشد . در کشورهای غربی ، همه چیز تکنولوژی است . آیا این تکنولوژی توانسته است انسان بسازد ؟

در آیه شش : زمانیکه پیامبر در مکه قرآن تلاوت می کرد .مردم با عشق و علاقه گوش فرا می دادند .در این میان فردی بود که مخالف پیامبر بود و این فرد اشتراء لهو الحدیث می کرد ؛ یعنی پول می داد حدیث می خرید (سخنان بیهوده ) و برای مردم می گفته است . هدف کار او ضلالت و گمراهی مردم بود .خداوند برای اینگونه افراد عذابی مهین قرار داده است یعنی عذابی خوارکننده می باشد .

در آیه هفت : وقر یعنی سنگینی ، که گوشها سنگین است وقتی گوشها سخنان حق را نمی شنوند پس بشارت بده آنان را به عذابی دردناک

عذاب دو خاصیت دارد : ۱- درد (بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) ۲- خوارکننده (عَذَابٌ مُّهِينٌ)

در آیه هفت فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ: عبارت « بشر » برای تمسخر است یعنی خداوند آنان را مسخره می کند . هرگاه کسی در راه خدا کار نیکویی انجام دهد و دیگری جلوی کار نیکوی او را بگیرد خداوند برای این گونه افراد عذابی دردناک می فرستد .

یکی از راههای گمراهی انسان همان جهل و نادانی اوست . پس افرادی هستند که تلاش می کنند تا انسانها در جهل و نادانی باقی بمانند تا بتوانند راحت تر فریب دهند .

یکی از راههایی که بتوانند مردم در جهل و نادانی بسر ببرند از طریق تهاجم فرهنگی است. که در راس آن تکنولوژی را قرار می دهند چون فرهنگ سازی به صورت ریشه ای انجام نشده است بوسیله تکنولوژی های پیشرفته مردم را گمراه می کنند پس هرگاه فرهنگ سازی سالم ایجاد شود اگر چه ، تکنولوژی پیشرفت کند فرد گمراه نمی شود .  
 در آیه شش : وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا: راه خدا را به ریشخند و مسخره می گیرند.  
 در اسلام توصیه شده از کارهایی که موجب می شود دیگران شما را مسخره کنند و انجام آن کار ضرورت و واجب نیست پرهیز کنید. مثلاً "قمه زدن در اسلام حرام است وعده ای هستند که این روش را ترویج می کنند تا بتوانند اسلام را مورد تمسخر قرار دهند .



### دومین جلسه تفسیر قرآن دانشکده بهداشت: تفسیر سوره لقمان

دومین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۱۴ آبان ۹۴ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با موضوع تفسیر سوره لقمان ، با حضور استاد حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .  
 تفسیر سوره لقمان :

هدف از انتخاب سوره : دارای مطالب اخلاقی و اعتقادی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	به نام خداوند رحمتگر مهربان
الم ﴿۱﴾	الف لام میم (۱)
تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾	این است آیات کتاب حکمت آموز (۲)
هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿۳﴾	[که] برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است (۳)
الَّذِينَ يَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾	[همان] کسانی که نماز برپا می دارند و زکات می دهند و [هم] ایشانند که به آخرت یقین دارند (۴)

اول سوره با حروف مقطعه نوشته شده است .

تاکنون کسی به حکمت حروف مقطعه پی نبرده است ولی گفته اند رمزی است بین خدا و پیامبر اسلام و این حروف در قرآن آمده است و در هیچ کتابی دیگری نیامده است .

تلك آیات الكتاب الحکیم:

تلك در آیه دوم سوره اشاره به دور است به منظور عظمت دادن به آیات قرآن و مونث است زیرا کلمه آیات مونث است . حکیم از ریشه حکم گرفته شده است به معنای محکم . خداوند ؛ خود ش و قرآن را و هم لقمان را به عنوان حکیم معرفی کرده است . شاید بتوان گفت بحث اصلی سوره هم حکمت است .

حکیم : کسی است که کاری که انجام می دهید بیهوده نیست و کم و کاستی و چیزی اضافه ندارد . و قرآن هم کتابی است حکیم هیچگونه کم و کاستی و اضافی ندارد . شاید سوال شود که در قرآن اسم ائمه و یا احکام نیامده بهتر نبود

که در قرآن آنها بیان می شد. جواب آن منفی است. چون قرآن حکیم است و گفته ها و نگفته هایش از روی مصلحت . شاید بنده و شما نتوانیم پی ببریم چرا فلان موضوع مطرح نشده است ولی حتما عدم ذکر برخی مطالب از روی مصلح بوده است.

محسن در ادبیات قرآن: یعنی کسی که کارش را خوب انجام می دهد.

فرق هدایت و رحمت:

هدایت: راه را نشان می دهد      رحمت: توشه راه و یا پاداش است

محسنین: کسانی هستند که از رحمت و هدایت می توانند استفاده کنند و اهل احسان و ایمان نیز هستند.

در آیه بعد خداوند یک سری از ویژگیهای محسنین را بیان می کند:

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾

صلاه: ارتباط فرد با خداست

زکاه: ارتباط فرد با مردم

یوقنون: از مقوله ایمان و باور است.

منظور از یقیمون الصلوات این است که خودت نماز بخوان، جامعه ات را هم به نماز فراخوان (فرزندان و اقوام و جامعه )

در مورد زکوه باید توجه کرده که احکام زکوه و خمس در اواخر سالهای عمر پیامبر بود که بیان شده است و این در حالی است که کلمه زکات از روزهای اول نزول قرآن مطرح بوده است و این مطلب می رساند که کلمه زکوه در قرآن به معنی مطلق انفاق و بخشش به کار رفته است و در موارد اندکی به معنای زکوه اصطلاحی می باشد.

فرق علم و ایمان: علم اختیاری نیست ولی ایمان اختیاری است. انسان نمی تواند مطلبی را که می داند انکار کند اما می تواند التزام عملی به آن نداشته باشد. مثلا وقتی شما فهمیدید فلان کس فقیر است نمی توانید با اختیار خود علمتان به این مطلب را کنار بگذارید اما می توانید با اختیار خود نسبت به این علم واکنش نشان دهید و به او کمک کنید یا با اختیار خود به این علم واکنشی نشان ندهید.

علم درجه ندارد ولی باور و ایمان کم یا زیاد دارد. مفهوم ایمان: یعنی آنچه بدان علم داری خود را ملتزم کنی که بدان عمل نمایی.

بالاترین درجه باور و ایمان یقین است. در ضرب المثل داریم که مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد. مار گزیده مانند کسی است که به نیش مار و مضرات آن یقین پیدا کرده. یقین به آخرت یعنی آلان آخرت را می بیند. یوقنون: یعنی کسی که ایمان به آخرت دارد و آخرت را یقین و باور دارند.

پایه های رفتار مومن؛ یقین به آخرت است. برای اینکه آخرت به فراموشی کشیده نشود. به حدیث پیامبر اشاره ای می کنیم:

پیامبر اکرم (ص): فرمودند در روز بیست مرتبه یاد مرگ کنید.

## اولین جلسه تفسیر قرآن با موضوع تحلیل مسائل صدر اسلام و نیز واقعه عاشورا

اولین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۳۰ مهر ۹۴ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با موضوع تحلیل مسائل صدر اسلام و نیز واقعه عاشورا و با حضور استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .

در تحلیل مسائل صدر اسلام و نیز واقعه عاشورا یکی از شخصیت‌هایی که باید مورد بررسی قرار گیرد معاویه لعنه الله علیه است . معاویه ۵ سال قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد ، پدرش ابوسفیان و مادرش هند بود که معروف است به هند جگر خوار. معاویه تا زمان فتح مکه که حدودا ۲۵ سال داشت ایمان نیاورد ولی پس از فتح مکه که ابوسفیان و برخی دیگر از مشرکین ایمان آوردند او نیز ایمان آورد. نکته ای که در ایمان این گونه افراد باید ذکر شود این است که اینها ایمانشان عمیق نبود و آمیخته بود با فرهنگ و آداب و رسوم جاهلی . معاویه پس از رحلت پیامبر و در جریان فتوحات پس از برادرش یزید بن ابی سفیان حاکم شام شد و به مدت ۴۲ سال یعنی تا سال ۶۰ هجری ، حدودا هفت ماه قبل از واقعه کربلا حاکم شام بود.

معاویه توانسته بود با استفاده از جهالت مردم و فریبکاریهای فراوانی که داشت سالهای سال حکومت خود را حفظ نماید و تلاشهای سه امام بزرگوار در بیدار کردن مردم در برابر نیرنگهای معاویه کارساز نیفتاد نه اینکه نعوذ بالله ائمه کوتاهی کرده باشند یا نقصی داشته باشند بلکه مساله این بود که اولاً معاویه بسیار دغل باز بود و دیگر اینکه مردم جاهل بودند. آنچه که شرایط را برای امام حسین علیه السلام آماده کرد تا ایشان قیام کنند و قیامشان علی رغم شکست ظاهری فتح الفتوح بود، مرگ معاویه و روی کار آمدن یزیدی بود که اصلا با معاویه قابل قیاس نبود.

درس عبرتی که در این مسائل برای زمان حاضر است : اینکه اگر مردم زمان ما هوشیار باشند و مراقب فریبکاریهای دشمنان باشند، مسوولین نظام اسلامی خواهند توانست مسیر انقلاب را به سلامت و عافیت طی کنند ولی اگر هوشیاری مردم از دست برود و هواهای نفسانی بر آنها غلبه کند کار برای مسوولین سخت خواهد شد. نکته قابل توجه این است که دشمنان انقلاب نسبت به تحریف در مسوولین بلند بالای کشور مایوس هستند لذا بیشتر تلاششان در حوزه انحراف مردم خصوصا نسل جوان به کار گرفته می شود. امیدواریم خداوند به همه ما توفیق هوشیاری و بصیرت در مسیر دینداری و دفاع از انقلاب را عنایت بفرماید .